

دو کتاب درباره ایلات و عشایر ایران

پژوهش گسترده و جدی ایلات و عشایر ایران بسیار دیر آغاز شد. اوائل دهه ۱۹۷۰، زمانی که ایلات دیگر خطر بالقوه‌ائی برای ثبات حاکمیت مرکزی به شمار نمی‌رفتند و عشایر و زندگی کوچ‌نشینی دیگر باعث شرمساری «دولت مدرن» نبودند. بلکه مبدل به یکی از جاذبه‌های توریستی ایران شده بودند، راه انسان‌شناسان - اکثراً غربی - بدرون ایلات و عشایر باز شد. حاصل کار آنها مجموعه‌های باارزشی از مردم‌نگاریها، مشاهدات و تحلیل‌های انسان‌شناختی از این گروه مردم کشورمان می‌باشد. متأسفانه بسیاری از این کارها هنوز به فارسی برگردانیده نشده است، از جمله دو کتاب از خانم لوئیس یک در مورد ایل قشقائی که در اینجا قصد معرفی آنها را دارم.

کتاب «ایل قشقائی ایران» (The Qashqái of Iran) در سال ۱۹۸۶ توسط دانشگاه ییل انتشار یافت. این کتاب در ۳۶۹ صفحه در ۴ بخش و ۱۲ فصل تقسیم‌بندی شده است. گذشته از بخش اول که به اطلاعات مقدماتی می‌پردازد. مؤلف در بخش دوم برای جستجوی ریشه این ایل چندین سده به عقب برمی‌گردد و به سیر تحولات تاریخی آن تا زمان مصدق می‌پردازد. مردم‌شناختی اتحادیه ایللی بخش سوم را تشکیل می‌دهد که به ساختار سیاسی، رهبری، و سازماندهی اقتصادی - اجتماعی ایل می‌پردازد. بخش چهارم تحولات اقتصادی - سیاسی ایل قشقائی را در طول دهه‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۰ و اوائل ۱۹۸۰ را نشان می‌دهد که تأثیر سیاستهای نوین‌سازی دولت (مثل نظام تعلیم و تربیت جدید و «انقلاب سفید») را بر روی ایل نشان می‌دهد.

کتاب «ایل قشقائی ایران»، یک پژوهش در تاریخ اجتماعی - سیاسی این ایل است که عمدتاً

حاصل تحقیق میدانی (field-work)، مصاحبه با سران ایل و کنکاش در آرشیوها می‌باشد. محور مرکزی این کتاب چگونگی تشکیل اتحادیه ایلی قشقائی و ازهم پاشیدگی آن از یک طرف و روند پیدایش دولت مدرن در ایران و رابطه آن با ایل مورد بحث از طرف دیگر است. تشکیل یک دولت قدرتمند و نوین در زمان رضاشاه که هدف اولیه اش حذف قدرتهای محلی و متمرکز نمودن قدرت در انحصار دولت بود، نقطه عطفی در تاریخ ایل قشقائی (و دیگر ایلات ایران) به شمار می‌آید. مؤلف به خوبی سرکوب و سیاستهای خشن ضد ایلی رضاشاه (مثلاً اسکان اجباری) را دنبال همان سیاستها را به شیوه ملامیتر در زمان محمدرضاشاه پهلوی نشان می‌دهد.

«ایل قشقائی ایران» در واقع تاریخ طبقه آریستوکرات این ایل می‌باشد. سران ایل نه تنها رهبری ایلی را به عهده داشتند، بلکه به عنوان واسطه ایل با دولت نقش کلیدی در ادغام ایل قشقائی در زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی با نظام حاکم بازی نمودند. منشاء قدرت این طبقه تنها از ایل بر نمی‌خاست، بلکه پایگاهها و شبکه‌های ارتباطی در درون دولت، نهادهای مذهبی و نجیبگان ملی و حتی بین‌المللی از جمله دیگر منابع قدرت آنها به شمار می‌رفت. برای نمونه در فصل هفتم نقش و حضور نیروهای خارجی و ایفای نقش سران ایل قشقائی در سطح ملی در زمان صدارت دکتر مصدق نشان داده می‌شود. در این کتاب خانم یک از انسان‌شناسی برای تفسیر داده‌های تاریخی و از تاریخ برای تحلیل اطلاعات انسان‌شناختی خود استفاده می‌کند.

کتاب دیگر خانم لوئیس یک «کوچ نشین» (Nomad) در سال ۱۹۹۱ توسط دانشگاه کالیفرنیا انتشار یافت. این کتاب در ۴۸۹ صفحه شامل مقدمه، چهار فصل، سه پیوست، و یک بخش کتابشناسی مفصل است. این کتاب شرح حال یک واحد کوچک زیرایلی (بنکو؟) و رهبری آن (برزو قرمزی) در طول یک دوره یکساله زندگی کوچ‌نشینی است. خانم یک از اواخر تابستان ۱۹۷۰ تا پائیز ۱۹۷۱ همراه گروه کوچک «قرمزی» به کوچ نشینی پرداخت. این کتاب حاصل خاطرات نگاریهای روزانه نویسنده در طول این یک سال می‌باشد. جایگاه و نقش رهبری این واحد ایلی هسته اصلی این کتاب می‌باشد. برزو قرمزی شخصیت پیچیده و مضممی است که کوچ فصلی را سازماندهی می‌کند، بهترین چراگاهها را انتخاب و زمان بندی حرکت و سکون را تعیین می‌کند. او همچنین به میانجی‌گری در اختلافات درونی و برونی می‌پردازد و با خوانین قشقائی و نیز مأموران دولتی «سرو کله» می‌زند.

فنون کوچ‌نشینی و شیوه‌های تولید قسمت کوچکی را در کتاب به خود اختصاص داده است. در حالی که توصیف و بررسی رابطه این گروه با محیط اطراف خود و دیگر گروهها از نکات بنیادی این کتاب است: از جمله رابطه کوچ‌نشینان با دیگر کوچ‌نشینان، با دولت مرکزی (مأموران دولتی و ژاندارمها)، با یکجانشینان (کشاورزان) و بالاخره با بازارهای محلی. دوگانگی و تضاد پیوسته بین عشایر و کشاورزان بر سر مرتع و تخریب مزارع و وجود پيله‌وران شهری که از کمبود نقدینگی عشایر سود جسته و بر وامهای خود بهره، گاه تا ۱۰۰ درصد می‌گرفتند و به تدریج به علت بدهکاری

NOMAD

A YEAR IN THE LIFE OF A
QASHQAI TRIBESMAN
IN IRAN



LOIS BECK

The Qashqai of Iran



LOIS BECK

Yale University Press
New Haven and London

دائمی عشایر و از طریق شیوة «نیم سود» صاحب دامهای عشایر (وسائل تولید) طرف معامله خود می‌شدند (صفحه ۱۰۴-۱۰۰) از نکات جالب و قابل توجه کتاب می‌باشند. نوین سازی (مدرنیزاسیون) و ورود وسائل مدرن، زندگی و آینده این گروه را بشدت متحول می‌کند. برزو با خریدن یک وانت نحوه کوچ را دگرگون می‌کند و تحصیل پسرش در شهر امید کوچکی را برای ادامه شیوة زندگی برزو و جایگزینی مقامش توسط پسرش باقی می‌گذارد. کتاب گاه ما را با درک متفاوت این مردم از آنچه ما «واضح» و «معلوم» می‌دانیم آشنا می‌سازد. مثلاً فهم ایشان از «زمان» (۴۵-۴۳ و ۴-۳).

چهار فصل کتاب به نام فصل‌های سال نام‌گذاری شده‌اند که هر کدام به زندگی برزو و گروهش در یک فصل خاص می‌پردازد. پیوستهای کتاب شامل روزشمار کوچ، نمونه‌ها و روابط خویشاوندی و دسته‌بندی ایلی است. کتابشناسی در ۲۳ صفحه، خود به تنهایی مرجع کاملی برای منابع و مأخذ مطالعات ایلی و عشایری در ایران است. اطلاعات غنی و مشروح این کتاب از کوچ نشینی و کوچ نشینان در ایران در نوع خود بی‌نظیر است.

می‌توان گفت این دو کتاب به نوعی مکمل یکدیگرند که در دو سطح کلان («ایلی قشقایی ایران») و «خرد» («کوچ نشین») به موضوعات عمده و اساسی ایلی قشقایی در سه دیدگاه متفاوت می‌پردازند. این سه دیدگاه عبارتند از: نقش دولت مرکزی در پیدایش و اضمحلال اتحادیه ایلی، نقش سران ایلی بعنوان میانجی ایلی و دولت («در کتاب «ایلی قشقایی ایران») و بالاخره رابطه یک واحد

کوچک زیر ایللی و رهبری آن با محیط اطراف خود و دیگر گروهها (در کتاب «کوچ نشین»). با این سه دیدگاه می‌توان به یک درک جامعی از تاریخ اجتماعی ایل قشقایی دست یافت که حتی در مطالعات تطبیقی دیگر ایلات نیز قابل استفاده است.

خانم لوئیس یک، متولد ۱۹۴۴، پرفسور انسان‌شناسی در دانشگاه واشنگتن است که آشنایی دیرینه‌اش با ایران و بخصوص ایل قشقایی به دوران دانشجویی‌اش در دانشگاه پهلوی شیراز بین سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۴ برمی‌گردد. خانم یک بین سالهای ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱ به پژوهش میدانی در میان ایل قشقایی پرداخت و برای تکمیل تحقیقاتش بارها به میان ایل بازگشت (آخرین بار در سال ۱۹۹۱). مؤلف در مدت پژوهش میدانی خود در میان گروه قرمزی سه شیوه یادداشت‌برداری داشت: ۱- یادداشتهایی که مستقیماً مربوط به موضوع رساله دکترای ایشان بود. ۲- یادداشتهای کناری حول محور رساله. ۳- خاطرات نگاری روزانه. دسته آخر یادداشتهای حاصل مشاهده فعال (Participative observation) خانم یک در زندگی گروه قرمزی می‌باشد. این یادداشتهای که در آن هنگام تنها برای بازبینی جزئیات اتفاقات و اطلاعات برداشته می‌شد، بعد از گذشت ۱۶ سال که محقق به بازخوانی آنها پرداخت، چنان پربار و غنی بودند که خود پایه نوشتن کتاب مفصل «کوچ نشین» شدند.

بوجود آمدن تفاهم و رابطه صمیمی میان انسان‌شناس و گروه مورد مطالعه‌اش اتفاق نادری نیست، اما کمتر انسان‌شناسی در میدان پژوهش خود بطور فعالانه در زندگی جمعی شرکت می‌کند و سعی در یاری رساندن به آن گروه مردم دارد، آنچه که Action anthropology خوانده می‌شود. خانم یک از این دسته انسان‌شناسان است و این را از خوانندگان پنهان نمی‌کند. او به هنگام بازخوانی یادداشتهای خود بعد از گذشت سالها بارها تحت تأثیر قرار گرفته و برای رنج زندگی این مردم و دوستان از دست رفته گریه کرده («کوچ نشین»، صفحه ۱۸). در طول یک سالی که او همراه گروه قرمزی بسر برده همواره به نوعی در پی یاری رساندن به افراد آن گروه بوده است، از هدایای جنسی و نقدی گرفته تا کمک به آنان در مقابله با خصومت‌های مأموران دولتی و قدرتمندان محلی. هرچند که خانم یک خود معتقد است که به هیچ روی قادر به جبران محبتها و میهمان‌نوازی برزو قرمزی نبوده است (همان صفحه ۲۶).

در آخر باید از تصاویر بسیار زیبا و گویای این کتابها یاد کنم که بخوبی از عهده به تصویر کشیدن گوشه‌ای از مردم‌نگاری خانم یک برآمده‌اند. اگرچه این آثار باگذشت زمان تازگی خود را از دست داده‌اند اما بدون تردید در روشن کردن قسمتی از تاریخ اجتماعی ایران از طرفی و شناخت و درک شیوه زندگی و فرهنگ ایل قشقایی (و حتی شاید دیگر ایلات ایران) از طرف دیگر نقش بسزائی دارند.